



آوای
حکام

اللهم كن لوالدنا محمد بن عبد الله
ووالدة السيدة خديجة
سماواتنا وارضائنا
وعنايتنا كما ارحمتهم
في حياتهم

صفحه ۱ اول
دعا در نگاه امام علی (ع)
توصیف معلم
فرهنگ لغت شب امتحانی

صفحه ۱ دوم
در دلی با
شهدا



سردبیر مبین خیراله فام	مدیر مسئول علیرضا ابراهیمی	صاحب امتیاز بسج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ارومیه
شماره 8	ویراستار میلاد هاتفی	طراح ابوالفضل بهرام

avayeh_moallem



فرهنگ لغت شب امتحانی



با شروع روزهای امتحانات هر ساله فرهنگ لغتی جدید با واژه های جدید باب میشود که سعدی آن شیخ اجل را به زانو در می آورد.در زیل کاربرد و معنای برخی از این لغات را شرح میکنم:

سیاهش کن

این واژه در جاهایی کاربرد دارد که،سفیدی ورقه آنچنان به چشم میخورد که اگر آترا به ژاپنی ها بدهیم از نوری که ساطع می کند،ضمن عذرخواهی از سفیدی شرم آور برگه پاسخ نامه،برق تولید میکنند.

زخمیش کن

اشتباه نکنید! این ترویج خشونت نیست.متدی است رایج برای جواب دادن به سوالهایی که بیشتر به سوالات میرسلیم در مناظرات شبیه است تا سوال امتحانی و دانشجو سر جلسه،به جای آنکه به فکر پاسخ باشد به فکر این است که دقیقا استاد از کجا این سوالات را در آورده است و به معنای"ریختن سوالها در جواب"هاست.

کی خودکار اضافی داره؟

این عبارت بر خلاف شکل و ظاهرش اصلا سوالی نیست.بلکه جمله ای است که از اسرار ازل خبر آورده است. دانشجو با ناله سردادن در ابتدای جلسه،در اصل با تکنیک جنگ روانی به دیگر همنوعان خود،اعلام نیاز مبرم و فوری به کمک های معنوی و قلبی از دوستان میکنند.

اگه بخواد میتونه پاسم کنه

این جمله با توجه به محدودیت های قانونی،اخلاقی،قضایی و ... از جانب استاد در پاس کردن همه،عمدتا از زبان کسانی شنیده میشود که در حد یک یا دو مُره نوشته اند و امیدوارانه(اصلا امید از این افراد میچکد)چشم به پاسی استاد دارند

برگه اضافه هست؟

این جمله یه چیزی تو مایه های گل دقیقه آخر مسی به ماست.یک تنه تمام امید و آرزو هارا به باد میدهد و چنان اعصاب همه از پرسشگر به فاز میرود که فقط گل زنی های طارمی میتواند با آن برابری کند)(ایستناگرام را باز کرده و استوری ضد استقلالی میگذارد).

.....و چندتای دیگر.....

مجموعه ای از لغات سانسوری،ممنوع الهجا و غیر قابل پخش؛حتی در شبکه کیش است و معمولا یک ساعت قبل از امتحان و با دیدن حجم سوالات و یک ثانیه بعد از دیدن مُره کاربرد دارد

#هیمن _ ابراهمی



معلم...یعنی علم دهنده ی بی منت.

معلم...یعنی آن چراغی که مسیر را نشان می دهد.

مسیری که شاید راست ترین مسیر زندگی است.

معلم جان، دستان گرمی که به نشانه افتخار بر سرم

کشیدی را دوست دارم.

لبخند گاه و بی گاهت که مرا بیش تر در خواسته ام

مصمم می کرد،دوست دارم.

چشمان برق زده ات هنگام بیست گرفتنم را دوست دارم.

نگاه سرزنش گرت که می دانم ناشی از علاقه و دلسوزی است،دوست دارم.

معلم جان،شرمنده ام اگر گاهی سرافکنده ات کردم.شرمنده ام اگر گاهی بی توجه به

سخنان تو،با خود مشغول بودم.

معلم جان، ممنونم که همیشه درد و دلهایم را با جان و دل گوش می دادی.ممنونم که

همیشه سعی در رشد من داشتی.ممنونم که همیشه برایت مهم بودم و هستم.

روزت مبارک معلم جان.گرچه هرروز،روز توست.چون این تو هستی که هرلحظه در پی

اعتلای تعلیم و تربیتی.

#حوری_موسوی

کلامی است از امیرالمومنین علی علیه السلام که در بسیاری از اوقات به صدای بلند، با آن سخن، به اصحاب خود خطاب می فرمود: خدا شما را رحمت کند، آماده شوید؟

پس به تحقیق، ندای کوچ کردن (از این دنیا) به شما داده شده است. اعتماد و علاقه خویش را نسبت به ماندن در دنیا کم کنید و با توشه ای مناسب و پسندیده که در اختیار دارید، از دنیا به آخرت منتقل شوید! پس بی گمان در برابر شما گردنه ای است که بالا رفتن از آن دشوار است و در راهتان منزل هایی است ترس آور و هولناک که انسان از وارد شدن و توقف در آن ها ناگزیر است.

پس بدانید که دیدگان مرگ (یا نگاه کردن آن از گوشه چشم به شما) به طرف شما نزدیک است، گویی شما در چنگال های آن هستید که به راستی آن چنگال ها به تنتان فرو رفته است و به تحقیق در مرگ، سختی های طاقت فرسا و دشواری هایی که از آن بیمناک و در حذر هستید، شما را فرا گرفته است. پس علاقه و وابستگی های خود را از دنیا قطع کنید و توشه تقوی را پشتیبان خود قرار دهید و از آن یاری جوید. (خطبه 204)





شهید احمد کاظمی:

ما اهل اینجا نیستیم ما اهل جای دیگر هستیم باید برای اونجا خیلی ما تلاش بکنیم ، ما یک صف بزرگی جلومون وایسادن ماها رو تحویل میگیرن اون صف رو ما کاری نکنیم رو برگردونه از ما ، دلها رو بسپارید به خدای متعال متوسل بشید به ائمه اطهار در راس اونها امام حسین شهید عزیز ، پرچم دار این حرکت ما و افتخار بکنیم که ما سرایان فرزند او حضرت مهدی هستیم و امروز زیر پرچم حضرت ایت الله العظمی خاмене ای داریم این لشکر و این سپاه و این سازمان رو اداره می کنیم که تحویل بدیم به حضرت مهدی .

بوی کبوتر



با خنده ای که عکس تو در بر گرفته است
دیوار خانه چهره ی دیگر گرفته است
بعد از تو برق شور و شمع را هجوم اشک
از چشم های خسته ی مادر گرفته است
بی شک شبیه کوچه ی ما ، کوچه های عرش
از نام پر شکوه تو زیور گرفته است
حالا منم ، کنار تو ، اینجا که پر زدی
اینجا که خاک ، بوی کبوتر گرفته است
ای انعکاس دست علی ! برق ذوالفقار
افلاک ، پشت نام تو سنگر گرفته است
اینجا ، نماز چلچله ها رو به دست توست
دستی که رنگ غیرت حیدر گرفته است
چشمان من همیشه همین جا کنار توست
اینجا که خاک ، بوی کبوتر گرفته است
طاهره رستمی



ای شهیدان ما بعد از شما هیچ نکرديم !!!
لباس های خاکی تان را در میدان ولا به لای سیم
خار دارها رها کردیم عهدمان را شکستیم و دعای
عهد را فراموش کردیم ، زمان ندبه و سمات را کم
کردیم ، شربت های صلواتی را با نسیان بر زمین
ریختیم و به عطش خندیدیم . بر تصاویر نورانی
تان روی دیوار شهر رنگ غفلت پا شدیم و
پوستر تبلیغاتی نصب کردیم .
تاول شیمیایی را از یاد بردیم و غیرت را به بهایی
اندک فروختیم عشق را به بازی گرفتیم و از
خون هایتان به راحتی گذشتیم اما باز هم
امیدی هست !!

می نویسم که شب تار سحر می گردد

یک نفر مانده از این قوم که بر می گردد



شلخته تر از رزمندگان ندیده ام

از جنگ که بر می گردند

یکی دستش را

یکی پایش را

یکی دلش را

یکی حواسش را

و حواس پرت ترین آنها

خودش را جامی گذارد ...



پر کشیدن مجال می خواهد

آسمان زلال می خواهد

اشتیاق پرنده کافی نیست

چون که پرواز بال می خواهد

الشهرسبدر

آی شهدا به داد ما برسید

آیا وقت آن نرسیده که پیله های مادی را بشکافیم و به
سوی او پرواز کنیم؟
ای شهدا برخیزید گویی این جا همه چیز تمام شده است و
انگار نسل جهاد دیده دیروز ، به خط پایان رسیده است .
اگر سرانجام نیابید و کلامی و حرفی بر زبان نیاورید ما
هم کم کم باورمان می شود که همه چیز تمام شده است .
باورمان می شود که دیگر رد پای از شما پیش رویمان
نیست .

ای شهدا اینجا دیگر از عروج خبری نیست و همه از برای
فنا دست و پا می زنند . دست های نا پاک به هم گره
خورده تا بر نسل جوان امروزی روح بی اعتدای و دین
زدگی را جریان دهد . دنیای غرب بر دل ها طبل هوس می
کوبد .

ای شهدا به داد ما برسید ، اینجا ماندن سخت است . در
قنوتان دلتنگی شماست و در سجده همامان بی تابی فریادتان و
در رکوع هایمان خمیدگی دوری از شهادت است . ای شهدا
سکوت غربتمان ، دردناک ترین دردیست که تاب تحمل را
از وجودمان زوده است .

ای شهدا ما برای شما صبر می کنیم ولو با فنا و فراموشی
مان .

ای شهدا شما که در جلوت دآری تا مهدی (عج) هست
هنوز امید داریم وست خلوت انس یافته اید دستی بر دل
های پر رنج ما بر آورید . خدا حافظ ای شهدا ، ای گلبرگ
های خونین شلمچه ، ای لبهای سوخته فکه ، ای گلوهای
تشنه ، ای تشنه های فرات شهادت ، خدا حافظ ، شما رفتید
و ماییم و راه نا تمام !

شهدا می بینند



چه بخوایم چه نخواهیم، شهدا می بینند

گاه در حال گناهیم، شهدا می بینند

بی تفاوت شدم و عین خیالم هم نیست

بوی نان می دهد آهم، شهدا می بینند

غافلم که همه عمر گره خوردم به هم

تیر شیطان و نگاهم، شهدا می بینند

از خدا دور شدم، دور خودم می چرخم

مدتی گم شده راهم، شهدا می بینند

مدعی بودم و هستم که شهادت طلبم

با همین روی سیاهم، شهدا می بینند

آقدر سر به هوا بود دلم، یادم رفت

می رود هفته و ماهم، شهدا می بینند